

می‌شوند. برای مثال: «من و تو» که در میان این سه واژه دو جای خالی دیده می‌شود که همان «فاصله» است.

اما، در واژه‌های چند بخشی، نیاز به فاصله‌ای از نوع دیگر است که ارتباط بخش‌های یک واژه با هم استقلال آنها از دیگر واژه‌ها را نمایش می‌دهد.

برای مثال در عبارت فارسی «من این کم کاری‌ها را قبول نمی‌کنم» یا عبارت گیلکی «می‌دس برارون همه ته بی خوش‌وون داره» انه سو بدآن میان همه‌ی اجزا فاصله وجود دارد. در حالی که «کم کاری‌ها» یا «نمی‌کنم» یا «دس برارون» یا «همه ته بی» یا «داره» انه (داس‌ها) هر یک به طور مستقل یک ترکیب مستقل‌اند. پس برای بهترخوانی متن باید از نیم‌فاصله سود جست و این دو جمله را اینگونه نوشت: «من این کم کاری‌ها را قبول نمی‌کنم» یا «می‌دس برارون همه ته بی خوش‌وون داره» انه سو بدآن»

تفاوت فاصله با نیم‌فاصله را به راحتی در دو عبارت «تیم فاصله» و «نیم‌فاصله» می‌توان نشان داد.

چهار: برای نشان دادن عباراتی مثل «تند تند» یا «ریز ریز» یا «کم کم» از خط تیره استفاده شده است: تند-تند. ریز-ریز. کم-کم.

پنج: در پیشوند فعل‌ها (از جمله پیشوند ب مضارع) تلاش شده که تا جای ممکن تک حرفی نوشته شوند. یعنی در صورت‌هایی گونه‌گون گویشی فاندر، فیندر، فندر و یا بگوفتم و بوگوفتم و... همگی به صورت فندر و بگوفتم نوشته شده است. با توجه به رسم الخط عربی که مورد استفاده‌ی زبان گیلکی است، دست خواننده برای خواندن در بسیاری جاها باز است و با توجه به تفاوت‌های گویش در گیلکی، ترجیح داده شده که این تفاوت‌ها را دست کم در این یک مورد وارد نگارش نکرده و بر عهده‌ی خواننده بگذاریم که «ب» مضارع را با توجه به آشنایی ذهن خویش اعراب‌گذاری نماید.

شش: در بسیاری موارد، واژگان متشکل از دو واژه مستقل را با رعایت نیم‌فاصله نوشتند. برای مثال به دو عبارت زیر دقت کنید:

«مردآک گب چیه» و «منم تا دوس دنم» و «خوازکبه بهه»

چیه در واقع همان «چی ایسسه» است که به رسم عمومی زبان گیلکی، اینجا هم فعل ایسسن توسط یک «ه» نمایش داده شده و بهتر است مستقل از «چی» نمود یابد: چی‌یه.

من همان «منم» است که ترجیح داده شده «من ام» نوشته شود.

زاخبه هم همان «زاک واسی» می‌باشد که در این ویژه‌نامه «زاک تبه» نمایش داده می‌شود.

۱- این یادداشت در ضمیمه ۹۹ گیلکی، ویژه‌ی ادبیات داستانی گیلکی چاپ شده است.

ذکری انس نگارش گیلکی

مسعود پورهادی

در گیلکوای ویژه ادبیات داستانی، ضمیمه‌ی شماره ۹۹ مقاله‌ی قواعد پیشنهادی در ارتباط با گیلکی نویسی، در خصوص گرامر زبان گیلکی و علائم نگارشی، نویسنده مواردی را مذکور شده اند که اشتباه و نادرست‌اند.

* در مقاله آمده «صدای فتحه اکسره (θ) در همه‌ی اضافه‌های عادی و اضافه‌های توصیفی، برای اتصال مضاف و مضاف‌الیه و نیز صفت و موصوف به کار می‌رود.



نمایه‌ی کارگاه داستان گیلکی خانه‌ی فرهنگ گیلان (نشریه‌ی داخلی)

شماره یکم. ۱۳۸۸ و فروردینما . تیم

گیلکی نویسی، گیلکی خوانی

یک: در نگارش این ویژه‌نامه، هم چون رسم هنجار گیله‌وا برای نمایش صدای فتحه اکسره (θ) از نماد «» استفاده شده است. با این تفاوت که در این ویژه‌نامه تاکید بر سر اضافه‌های است. به این صورت که در همه‌ی اضافه‌های عادی و اضافه‌های توصیفی، برای اتصال مضاف و مضاف‌الیه و نیز موصوف و صفت، تا جای امکان از این نماد استفاده شده است:

حسن پیران (پیراهن حسن)، سورخ گول (گل قرمز) نکته‌ی مهم، تفاوت این نقش‌نمای میانجی با حرف اضافه و فعل است. برای مثال در عبارت «آن حسنه»، «ه» نماد فعل «ایسین» و در «مریمه بدئم»، «ه» همان «را» مفعولی است. پس نباید برای نمایش این دو از «» استفاده نمود. و همان صورت «حسنه» (حسن ایسسه) و «مریمه» (مریم را) درست است.

دو: در این ویژه‌نامه تلاش شده تا حد مقدور، برای نشان دادن برخی آواهای به ترتیب زیر عمل شود:

برای نمایش فتحی کشیده از «أ» استفاده شده است. مثل «دانم» (دارم). کارم (دارم می‌کنم). تأ (تو را). و البته در واژگانی که به «ه» پایان می‌گیرند، برای اجتناب از آشنایی‌زادایی، یک الف کوچک اضافه گردیده است. مثل فرده (فردا) یا خانه (خانه را).

برای نمایش ضمیمی کشیده از «ف» استفاده شده است. مثل: «شـفـ» (شب). «شـفـ درم» (دارم می‌روم). موسـون (مانند).

برای نمایش کسره‌ی کشیده از «ئـ» استفاده شده است. مثل: زئـنم (می‌زنم). مئـبه (برای من). زئـن درم (دارم می‌زنم).

برای نمایش تشیده هم تلاش شده از علامت «ـ» استفاده نشود و به جای آن در صورت لزوم، از تکرار دو حرف در کنار هم سود جسته شود. مثل امعما، کللـه و ... در استفاده از این نمادها بسیار دقت شده که زیاده‌روی نشود. گرچه پیشنهاد ما در بلند مدت، استفاده از سه نماد به جای هر دو نوع کشیده و کوتاه سه آوا و حذف تدریجی تشیده از نگارش گیلکی است، که پذیرفته شدن یا نشدن این پیشنهاد به میزان استقبال اهل قلم بستگ دارد.

سه: یکی از پرکاربردترین نشانه‌های نوشتاری که خود به چشم نمی‌آید، «تیم فاصله» است که اهمیت آن هنگام تایپ و حروف‌چینی دو چندان می‌گردد. در نگارش، واژه‌ها به وسیله‌ی «فاصله» که به طور معمول به اندازه‌ی جای خالی یک حرف است از هم جدا

تازه اجرایی هیأت

دوشنبه، ۱۸ خرداد، گیلکی داستان جلسه میان، ایთا تازه اجرایی هیأت معرفی بپوشته.

آگوروه اجرایی هیأت، جه اویل تا هسا هوشانی بیدی کی هو اویلین جلسه میان انتخاب بپوشته بید، یعنی مسعود پورهادی، علی‌رضا بشردوست، پوراحمد جكتاجی و امین حسن‌پور.

قیلی جلسه میان قرار بپوشته کی دوواره انتخابات ببه و تازه مسئولان دؤجین بیدی کی فقط سه نفر خودشانه نامزد بوکودید و چون تعداد محدود بود، دئه رأی گیری نویسند و هوشان به عنوان تازه مسئولان، گیلکی داستان اجرایی هیأت می‌شوند خوانشانه کاره شروع بوکودید.

آس نفر علیرضا بشردوست، حبیب‌الله غلامدوست و امین حسن‌پور ایسیسید.

۱- کارواکون: فعل. کنشگر.

در یاره‌ای این شماره

پس از پیش‌شماره‌ی «دوشنبه‌بازار» که ماه گذشته منتشر شد، این نخستین شماره‌ی رسمی دوشنبه‌بازار است که تقدیم خواننده‌ی پی‌گیر ادبیات داستانی و مکتوب گیلکی می‌شود.

در این شماره، با بازنشر دو یادداشت مندرج در گیلکوا و یک یادداشت جدید، سراغ بحث «گیلکی نویسی دابدستور» (اصول نگارش گیلکی) می‌رویم، با این امید که با شرکت اهل قلم در این بحث، به مسیری روشن هدایت شویم.

بد نیست یک بار دیگر، با هم متن کوتاه «پیشاشوک» پیش‌شماره‌ی دوشنبه‌بازار را بخوانیم: «دوشنبه‌بازار؟؟ اصلا چرا بازار؟؟ مگر فرنگ و هنر و ادبیات را می‌شود خرید و فروش کرد؟

احتمالاً کلیت این سوال اولین چیزی است که ذهن خواننده‌گان نمایه‌ی کارگاه داستان گیلکی خانه‌ی فرهنگ گیلان را به خود مشغول خواهد کرد. در پاسخ به این مشغولیات باید گفت که جلسات داستان گیلکی خانه‌ی فرهنگ گیلان، دقیقاً یک بازار است، با همان سرزندگی و جریان بازارهای هفتگی که در مناطق مختلف گیلان تشکیل می‌شده‌اند. اما نه در معنای کامل که چیزی در آن خرید و فروش شود. دوشنبه بازار داستان گیلکی، بازاری است که شرکت کنندگان در آن، تولیدات ذهنی و قلمی خود را به سبک بازارهای اولیه با بقیه، به اشتراک می‌گذارند، تولیدات یکدیگر را به نقد می‌کشند و با توشاهی گزیده، به خانه‌های خود بازمی‌گردند.

نمایه‌ی «دوشنبه‌بازار» برآمده‌ای است از جلسات داستان گیلکی خانه‌ی فرهنگ گیلان که در یکی از دوشنبه‌های نیمه‌ی دوم هر ماه برگزار می‌شوند و قرار است بهترین کالاهای این بازار را به نمایش بگذارند.

خواننده‌ی گرامی، دوشنبه‌بازار را بخوانید و آن را تکثیر و به دیگران معرفی کنید و آن را جایی برای انتشار داستان، نقد داستان و مقاله‌های خودتان در حوزه‌ی نگارش گیلکی بدانید.

گیلکی داستان فراخوان

«نشر فرهنگ ایلیا» خانه‌ی یکه مجموعه داستان منتشر کونی، گیلکی نویسون داستانهای جی.

قرار بیوئیه نویسندی کی خانه‌ی این داستانهای او مجموعه داستان مئن چاپ بیون، پنج ته خودشانه نامزد ای انتشاراتی به تحويل بدی و اوجور که نشر فرهنگ ایلیا خو اطلاعیه مئن بوته، فرقی نکوئنه کی داستان قبلن گیله‌وا یادامون یا باخی نشیریات مئن چاپ بیوئی یا نه.

گیلکی داستان جلسه‌نامه

دوشنبه ۲۴ فروردین

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت

دوشنبه ۱۸ خرداد

دوشنبه ۸ تیر

دوشنبه ۲۶ مرداد

دوشنبه ۲۳ شهریور

جلسه‌نامه ساعت ۱۷:۳۰ سرآگیته بنن و ساعت ۲۰:۳۰ تهنا بنن.

□□□

طرح لوگو: علی باغبان

گروه تحریریه: میرعماد موسوی و امین حسن‌پور هیأت اجرایی گروه داستان: علیرضا بشردوست، حبیب‌الله غلامدوست و امین حسن‌پور

توضیح و پوزش

در پیش‌شماره‌ی دوشنبه‌بازار را بخوانید و در فهرست اعضای گروه داستان خانه‌ی فرهنگ نام خانم نرگس مقدسیان به اشتباه زهرا مقدسیان نوشته شد که بدین وسیله از ایشان و شما پوزش می‌خواهیم.

این گونه نیست، چون:

الف: در گیلکی فقط مضاف الیه و صفت‌هایی که به صامت ختم می‌شود این نشانه را می‌گیرند. مانند: حسن پیران (پیراهن حسن) سورخ گل (گل سرخ) البته استثنای مانند پسر زن، زن مار و .. علیرغم خاتمه یافتن مضاف الیه به صامت، فاقد این نشانه‌اند.

ب: هرگاه مضاف الیه و صفت به صوت ختم شوند، فاقد نشانه است. مانند علی پیران (پیراهن علی)، سیا ابر (ابر سیاه)

ج: اضافه‌های نسبی و بیانی در بسیاری موارد برای اتصال به جزء دیگر، صدای غیر فتحه/کسره دارند. مانند گالی پوشی خانه (خانه گالی پوش) میرسی تاس (تاس مسی). این صدا با نشانه (ی) نشان داده می‌شود و صدایش با فتحه/کسره متفاوت است.

این صدا یعنی فتحه/کسره آن گونه که نویسنده آورده اند: «صدای مفعولی در گیلکی است.»

برخلاف تصویر نویسنده، صدای مفعولی در گیلکی فتحه (آ یا آ) است نه صدای فتحه/کسره و علامت آن (۱) است. مانند حمید (حمید را) این صدا در مناطق شرق گیلان کوتاه تر از مناطق غرب گیلان است.

- تازه اگر مفعول به صوت ختم شود، معمولاً مایین صوت پایانی مفعول و صوتی که نشانه مفعولی است (برای تسهیل در بیان) حرف میانجی (ی) می‌آید، علی (علی را) - یا، صوت پایانی در صوت نشانه ادغام می‌شود، مانند خانه (خانه را) - و یا اینکه، آن صوت مبدل به صوت دیگر می‌شود. مانند مو (من) مؤ (من را)

پس این صداها و نشانه‌ها متفاوت است از صدای فتحه/کسره که به صورت (۲) نوشته می‌شود. باید به حال آنها فکر دیگر کرد و از نشانه‌های دیگر استفاده کرد.

در اینجا در بخش پنج، مطلبی در خصوص پیشوند «ب» مضارع آورده اند که آن هم خالی از اشکال ماضی ساده- مضارع- فعل امر) از پیشوند «ب» که بیان کننده وجه (خبری، التزامی، امری و...) افعال اند، برخوردارند. در بیشتر موارد پیشوند «ب» متناسب یا همگون با فعل، همواره با صامتی هستند که آنها را به صورت «به» و «بو» و «بی» و ... در می‌آورد. مانند:

به آرد (آرد)- ماضی ساده
بوخورم (بخورم)- مضارع التزامی (حال/آینده التزامی)
بی نیش (بنشین)- فعل امر
بوخورده بوم (خورده بودم) - ماضی بعيد (گذشته در

همان طوری که ملاحظه می‌شود، این پیشوندها را نمی‌توان «ب» مضارع نامید، چون علاوه بر زمان مضارع التزامی، برای ماضی ساده، ماضی بعيد و فعل امر نیز کاربرد دارند.

عده ای آن را پیشوند «وجه» نامیده اند، من به همراه عده ای دیگر آن را پیشوند غیر ثابت (در مقابل افعالی که پیشوند ثابت دارند) می‌نامیم. تازه مثالی را که نویسنده برای توضیح مطلب آورده اند «فاندر، فندر و ...» مثال درستی نیست.

«ف» آغازین مثال نویسنده که اخذ شده از مصدر «فندرستن» (نگاه کردن) است از نوع پیشوندهای قاموسی افعال گیلکی است که در صرف هیچ یک از اشکال زمانی گیلکی حذف نمی‌شود تا «ب» مضارع نویسنده جانشین آن شود.

بگوییم «ما ازین پس، پستانداران (از جمله اسب آبی) را برای راحتی ایکس می‌نامیم» و کسی اشکال بگیرد که این حرف غلط است. چون اسب‌های دیگری هم داریم مثل اسب پانی (پاکوتا)، اسب وحشی، اسب اهلی و ...

منتقد گرامی بر اساس همین اشتباه نادرست است که در ادامه حتی مثال عنوان شده در یادداشت مذکور را نیز غلط می‌پنداشد و می‌نویسد: «ف آغازین مثال نویسنده که اخذ شده از مصدر فندرستن است، از نوع پیشوندهای قاموسی افعال گیلکی حذف نمی‌شود تا «ب» مضارع اشکال زمانی گیلکی جانشین آن گردد.»

منتقد گرامی چون از اصل بحث (پیشوندها) دور شده و هنوز به دنبال همان «ب» مضارع» می‌گردد، این مثال را هم نادرست می‌داند. کافیست که دوباره این جمله از یادداشت «گیلکی نویسی»... را نقل کنیم که «در پیشوند فعل‌ها (ازجمله ب مضارع)...» و بدانیم که نویسنده نقدهم این «ف» را پیشوند می‌داند، آن هم از نوع پیشوندهای قاموسی. ولی به نویسنده یادداشت اجازه نمی‌دهد که از آن به عنوان مثالی برای «پیشوند فعل» استفاده کند. آن هم به این دلیل که در پرانتر و به عنوان مثالی دیگر برای پیشوند فعل‌ها «ب» مضارع» را نام برده است.

این هم درست به این می‌ماند که در همان مثال پستانداران، اگر همان گوینده این بار فیل را به عنوان یک پستاندار مثال بزنده، بر او خرده بگیرند که این مثال تو غلط است، چرا که فیل هیچ نوعی از انواع اسب نیست!

پس این متناسبه این برداشت‌های نادرست پی‌درپی، نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که برخلاف نظر نویسنده مطلب «نکته‌ای در نگارش گیلکی»، نه نگارش آن پیشنهاد (که بخش بزرگی از آن تکرار همان قراردادهای قدیمی مورد استفاده در گیله‌واست)، بلکه نگاه به این پیشنهاد و به نقد کشیدن و ارزیابی آن است که دچار شتاب‌زدگی شده است.

از همین رو لازم می‌بینم دوباره تکرار کنم که جان کلام آن یادداشت (گیلکی نویسی)، ... پیشنهاد یک سری نمادهای قراردادی برای هم‌گرایی لهجه‌های گونه‌گون بود که متناسبه این نقد حتی دیده نشد که به چالش کشیده شود و بحث در سطح مناقشه بر سر مثال‌ها باقی ماند.

لاهیجان/ ۱۵۸۲ شریر ما

توضیح: در همی‌نقد قول‌های آورده شده در این یادداشت، تأکید از نویسنده‌ی همین یادداشت است.

گیلکی، اینترنت میان

ازه‌دار <http://ti-gab.blogsky.com>
کلاچای، لطره <http://latre.blogfa.com>
پیک‌ام‌لش <http://peykeamlash.persianblog.ir>
سنگ خوج <http://mi-gab.blogsky.com>
رادوار <http://radvar.blogspot.com>
گیلکی ویکی‌پدیا <http://glk.wikipedia.org>
لغت‌نامه آنلاین گیلکی <http://gilak.com>
ورگ <http://www.varg.ir>
گانتور (وبلاگ مسعود پورهادی) <http://gantor.blogfa.com>
مانگ تاو (شعرهای گیلکی حسین طوفانی) <http://derjek.blogfa.com>

پورهادی به رفع این ابهام و تشديد جزئی‌نگری در موضوع، کمک بسیاری کرد.

البته همه این مطالب در طی این سال‌ها در گیله‌وا و کتاب‌های زبان‌شناسی زبان گیلکی به کرات آمده، احتمالاً شتاب‌زدگی در کار باعث بروز این اشکالات بوده است.

برای نویسنده جوان مقاله که اول کار است و کار اول، تذکر این نکته‌ها به معنای دراز کردن دست هم‌باری به سوی اوست، نه هر چیز دیگر.

با آرزوی ادامه کار

مسعود پورهادی - رشت - مهر ۱۳۸۷

در قسمت ب اما، از قول یادداشت «گیلکی نویسی»... این گونه نقل می‌شود که «این صدا یعنی فتحه/کسره (۱) آن گونه که نویسنده آورده از مثال عنوان شده آورده است. آن یادداشت همان چیزی مطرح شده که گیلکی است».

اما مشکل این جاست که در یادداشت پیشنهادی «گیلکی نویسی»... چنان ادعایی به هیچ وجه عنوان نشده و از روی اتفاق، در آن یادداشت همان چیزی مطرح شده که نویسنده نقده‌ی در گوشزد کردن آن دارد: «نکته‌ی مهم، تفاوت این نوشته نمای میانجی (۲) با حرف اضافه و فعل است. برای مثال در عبارت «آن حسن»، «ه» نماد فعل «ایسین» و در «مریمه بدائم»، «ه» همان «را» مفعولی است. پس نباید برای نمایش این دو از «» استفاده نمود و همان صورت «حسن» (حسن ایسیه) و «مریمه» (مریم را) درست است.» (گیلکی نویسی، گیلکی خوانی. گیله‌وا - ویژه‌ی ادبیات داستانی گیلکی - ضمیمه‌ی شماره ۹۹)

نویسنده نقده، بر اساس همین برداشت نادرست به این نتیجه می‌رسد که «پس این صداها و نشانه‌ها متفاوت از صدای فتحه/کسره است که به صورت (۲) نوشته می‌شوند.» (۳) نوشته می‌شود. باید به حال آنها فکر دیگری کرد و از نشانه‌های دیگری استفاده کرد.»

در حالی که چنان که پیش تر گفته شد، همه‌ی حرف آن بخش از یادداشت این بود که این دو متفاوت از تازه برای آن «فکر دیگر» هم تدبیری اندیشیده و پیشنهادی داده است.

از این‌ها گذشته، هدف اصلی یادداشت «گیلکی نویسی»... در این بخش ایجاد تفاوت دیداری میان نماد نوشته نمای اضافه و نمادهای حرف و فعلی بود. در واقع در بحث خط، نمی‌توان زیاد به نوع تلفظ تکیه کرد چون از سوی دیگر، بر عکس زبان، خط صلب و استاتیک است و ازین‌ها در جهت دو جهت، نمی‌تواند (و نباید) نقش رسم الخط علمی فونوتیک را به دوش کشد.

ضمن این‌که در وضعیت چندهجگی زبان ما، آن یادداشت تلاشی بوده در برخی موارد، برای قرارداد نمادهای مشترکی میان لهجه‌های گونه‌گون.

پس این‌رو، نقد مسعود پورهادی این مژده را می‌دهد که قرار است موضوع مهم «نگارش گیلکی» و ابراز نقد و نظر

در بیان کننده وجه (خبری، التزامی، امری و...) افعال اند، برخوردارند. در بیشتر موارد داستانی گیلکی - ضمیمه‌ی شماره ۹۹ نوشته شده، ازین جهت که موجب به نقد و چالش کشیده شدن بحث «نگارش گیلکی» گشته، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

سال‌های بسیاری می‌گذرد از زمانی که نشریه‌ی دامون اقدام به تدوین و پیشنهاد یک طرح مفصل برای نگارش گیلکی نمود و در مقابل انتظار پاسخ و انکاس و نقد، با سکوت عجیب مخاطبان و حتی اهل فن روبرو شد.

ازین‌رو، نقد مسعود پورهادی این مژده را می‌دهد که قرار است موضع مهم «نگارش گیلکی» و ابراز نقد و نظر در بیان کننده وجه (خبری، التزامی، امری و...) افعال اند، برخوردارند. در بیشتر موارد داستانی گیلکی - ضمیمه‌ی شماره ۹۹ نوشته شده، ازین جهت که موجب به نقد و چالش فنی نقل مکان کند.

اما از سوی دیگر، بخش‌هایی از اشکال‌های وارد در یادداشت «نکته‌ای در نگارش گیلکی» که در شماره‌ی ۹۹ شده، نمی‌توان اثبات کرد حرفی نوشته شوند. (گیلکی نویسی، گیلکی خوانی) (۴) نوشته شده، ازین جهت که برداشت‌های اشتباه نویسنده‌ی این نقد از پیشنهاد «نگارش گیلکی خوانی» است که در این یادداشت تلاش می‌شود تا این برداشت‌های اشتباه روشن گرددند.

(۱) در قسمت الف، حق با نویسنده‌ی نقد است و متناسبه پیشنهاد «گیلکی نویسی»... یک اصل مهم را به صورت مبهم و ناقص عنوان کرده است که توضیحات مسعود